



یادداشت

از انتشار آخرین شماره فصلنامه پیام کتابخانه مدتی می‌گذرد و انتشار آن بدلائل متعدد، به تأخیر افتاده است امیدواریم خوانندگان و مخاطبان محترم این نشریه از این رو بر ما خرده نگرفته، پوزش و عذرخواهی ما رابپذیرند. اینک بر آنیم، با استعانت از ذات باری تعالی و با عزمی راسختر در این وادی قدم برداریم و در این راه به کمک و یاری صادقانه شما عزیزان نیازمند و بی‌صبرانه منتظر راهنمایی‌های شما هستیم.

تغییر و تحولات سریع جهانی در عرصه علم و دانش و به تبع آن مطرح شدن بحث توسعه همه‌جانبه همراه با اطلاع‌رسانی و بهره‌گیری از فن‌آوری اطلاعات در جامعه ما و ضرورت همگامی با پیشرفت‌های جهانی در ابعاد گوناگون به این بحث دامن زده که چه نهادها و بخش‌هایی می‌توانند در همگام‌سازی جامعه با پیشرفت‌های جهانی و در رأس آن فن‌آوری اطلاعات پیشرو بوده و به ایفای نقش مناسب بپردازند.

در چنین شرایطی اکثر نگاه‌ها به سمت نهادها و مراکز آموزشی رهنمون شده و وظیفه اصلی را متوجه آنها می‌دانند. اما با نگاهی نافذتر درمی‌یابیم که اگرچه نهادهای آموزشی، نقشی اولیه و اساسی در این فرآیند دارند ولی انجام این کار

از عهده نهاد یا بخش خاصی ساخته نیست و برای نیل به این مهم، تعامل و همکاری مجموعه‌ای از نهادها و بخش‌ها، در سطوح مختلف ضرورت اجتناب‌ناپذیری است و چنانچه در این زمینه، با نگاهی تک‌بعدی، عملاً بر نهاد یا بخش خاصی تأکید گردد باعث ناهمگونی توزیع اطلاعات در سطح جامعه گردیده و پیامدها و عوارض نامطلوبی را به دنبال می‌آورد. به گونه‌ای که اطلاع‌رسانی را با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌نماید و در سطح کلان نیز، عوارض نامطلوب آن در ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه پدیدار شده و به اختلاف طبقاتی بیشتری بین این سطوح خواهد انجامید و در بعد جهانی نیز موجب بیشتر شدن شکاف و فاصله با ممالک توسعه یافته می‌گردد.

توزیع مناسب اطلاعات در یک جامعه، متناسب با نیاز و تقاضای موجود در هریک از سطوح مختلف آن جامعه از اطلاعات، یکی از زمینه‌های مستعد جهت توسعه پایدار به حساب می‌آید. در این بین کتابخانه و بالاخص کتابخانه‌های عمومی بعنوان آسانترین و در عین حال، ارزاترین حلقه رابط در رساندن اطلاعات به سطوح مختلف جامعه می‌توانند بخشی از این وظیفه را بر عهده گرفته و



اگرچه این نظر، دیدگاه جدیدی در این باره نمی‌باشد و سالهاست که به صورت عملی در کشورهای توسعه یافته به مرحله اجرا درآمده و کتابخانه نقشی اساسی در فرآیند آموزشی آن جوامع بر عهده گرفته و به عنوان نهادی در کنار سایر نهادها و در تعامل با آنها عمل می‌نماید ولی جامعه ما تا رسیدن به این مرحله فاصله زیادی دارد و می‌بایست مراحل چندینی را پشت سر بگذارد. البته اساتید، صاحب‌نظران و اندیشمندان کشورمان در طول سالیان متمادی، بارها بر این نظر تأکید شایسته داشته‌اند. لازمه در نظر گرفتن چنین نقشی، علاوه بر تعریف کارکردها و وظایف جدید، توجه مضاعف به کتابخانه‌های عمومی و در خدمت قرار دادن امکانات و ابزار لازم و کافی، مطابق با فن‌آوری روز و همچنین اصلاح شیوه‌های مدیریتی و بکار گرفتن نیروی انسانی ماهر می‌باشد در این صورت، نهاد کتابخانه عمومی خواهد توانست در متن زندگی اجتماعی قرار گیرد. تردیدی نیست که تحقق این امر نیاز به عزمی راسخ، تدبیری مناسب و همکاری همگان دارد.

محمدحسین ملک‌احمدی

به همراه نهادها و بخش‌های دیگر به ایفای نقش بپردازند. لازمه تحقق چنین امری، ارائه تعاریف و بیان کارکردهای جدید برای کتابخانه‌های عمومی، البته، با در نظر گرفتن ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌باشد؛ در این مسیر، بیان وظایف و کارکردهای نو و در نظر گرفتن ساز و کارهایی متناسب با نیازهای روز جامعه ضروری می‌نماید.

اگر بخواهیم نظام بهره‌گیری و بهره‌دهی از کتابخانه‌های عمومی را که به شیوه نظام سنتی، صرفاً به ارائه کتاب و انجام برخی فعالیت‌های فرهنگی جنبی اقدام می‌نمود به شکلی نو با کارکردها و وظایف جدید و کارآمد تعریف کنیم، باید بگوییم که در این شیوه جدید، کتابخانه نه تنها بعنوان مکانی پویا برای ارائه اطلاعات و رساندن آگاهی به سطوح مختلف جامعه عمل نموده و نقشی فعال را بعنوان یک کنشگر بر عهده می‌گیرد بلکه به نهادی آموزشی بدل شده که می‌تواند با بهره‌گیری از فن‌آوری روز و استفاده از رایانه و شبکه‌های اطلاع‌رسانی جهانی، نیازمندان به اطلاعات را مرتفع سازد و اعتماد مراجعین و متقاضیان را روز به روز بیشتر جلب نماید؛ و به تعبیری زیبا، به دانشگاه همیشگی فرد بدل شود.